



◆ **مهاباد: توطئه جدید ارتش و سپاه پاسداران، برآکشتا بیشتره**
 ◆ **مریوان: زحمتکشان روستاها در برابر تهاجم پاسداران و**
جاشها همچنان به مقاومت ادامه میدهند
 ◆ **سردشت: حمله ارتش و پاسداران با مقاومت مردم و پیشمرگان دفع شد.**

گزارشی از:

جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق در روز دوشنبه ۳ شهریورماه پس از اینکه دوره طولانی از جنگ تبلیغاتی در ایران بقصد صدور انقلاب اسلامی و در عراق بنام دفاع از "مریست" یعنی در حقیقت تبلیغات توسعه طلبانه هردو کشور و پس از درج گیریهای مزی با تجاوز هواپیماها بمباران چند شهر توسط

بمباران شهرهای مختلف و حملات موشکی رژیم فاشیست بعث بساکنین شهرهای خوزستان موجب شد که مردم بدون توجه به اختلافات سیاسی و عقیدتی و مذهبی با همدیگر همکاری و همفکری کنند. آنها بر سر معا بر و خیا بانها اقدام به ایجاد سنگر و قرار دادند. کیسه‌های شن نمودند و زنان ساختن کوکتل بولوتوف درست زدند و... اقدامات مردم حاکمان ایران را به وحشت انداخت و زیرابه محض آنکه کیانوشی نمایند ۳ هواز در مجلس بسا خوزستان بازگشت، اولمسن اقدامش دستور انحلال ستاد های

مقاومت و کمیته‌هایی بود که توسط مردم در مساجد تشکیل شد. مردم یکی از اهالی دزفول میگفت "از قرار معلوم دولت از مردم بیشتر از عراق و امریکا وحشت دارد!"

بدین ترتیب جنگ آغاز شده نیروهای ارتش بسیار بدوی نظم عمل میکردند. تاکنون فرمانده تیپ دزفول و فرمانده گردانی که از شیراز به جبهه اعزام شده بود خائن و همکار عراقیها از آب درآمد نه‌اند. همچنین شایع است که چند افسر را تیرباران کرده‌اند بر اثر بمباران میگهای بعث عراق برق و در نتیجه آب شهرهای دزفول، اندیشک، شوش و شوشتر و هفت تپه قطع شده است. نانوا - آنها از کار افتاده و تقریباً این شهرها فلج شده‌اند. سردآب مصرفی خود را با طرف از رودخانه آورده و به دلیل نبودن بنزین و آن را تا راه دور پیاده حمل میکنند. امکانات درمانی برای زخمیها بسیار کم است.

رادیو جمهوری اسلامی به مردم اعلام کرده است که برای درامان ماندن در مقابل بمباران گولسه باران... شهرها پناهگاههای بتونی بسازند. ولی شخصی میگفت: "در حالیکه برای تهیه

یک کیسه سیمان به منظور بتدکشی خانام چند هفته باید سرگردان باشم و پناهگاه بتونی را با چه چیز بسازم؟ به همین دلیل است که مردم برای حفظ جان خود ناچار به ترک شهرها میشوند. ولی امام جمعه ها و سپاه پاسداران مردم را بر علیه کسانی که شهرها را تسرک میکنند تحریک می نمایند. با وجود این هزاران نفر از مردم مناطق جنگ زده آورده شهرهای خسرو آباد و بروجرد و دیگر شهرها شده‌اند. بعثت حملات بمبشیها و همچنین نبودن وسایل نقلیه آنها حتی نتوانسته‌اند وسایل ضروری مانند لباس و رختخواب همسراهِ خود را بسازند و بپوشانند. آنها با مشکلات مالی هم دارند. اینها ناچار به مدارس روی آورده و در اغلب موارد با کمترین هزینه پنجره داخل آنها شده و در آنجا ساکن میشوند. بطوریکه در همانجا مدارس این شهرها هم از بساکن روزی نیکترایی که برده‌اند کسب هم زندگی میکنند. بعثت سردی هوا و این مناطق روز بروز مشکلات بیشتری داشته‌اند. میگردد و دولت نه تنها هیچ امکاناتی در اختیار آنها نمی‌اندازد بلکه

بسیاری از موارد کارشکنی هم می کنند. عده ای در حدود ویست نفره برای گرفتن اجازه اقامت در یکی از مدارس خرم آباد پیش استنادار رفته بودند با کارشکنی استنادار و سایر کارمندان روبرو شده و هیچ کسکی به آنها ن نمودند. یک واحد توپخانه ایران که در مسیر آبادان - شادگان مستقر است بعلمت کمی مهمات با فاصله زمانی زیاد و هر ربع ساعت یک گلوله شلیک میکند. سربازی که از جبهه کرخه برگشته بود در مورد وضعیت جبهه چنین نقل می کردند: "در شب ۲۷/۷ یک تیسپ از لشکر مشهد که به جبهه های کرخه منتقل شده بود، شبانه از پل گذشته و در آن سوی کرخه موضع گیری نمود. قرار بر این بود که در ضمن پیشروی، توپخانه و هوا - نیرو و نیروی هوایی از آنها پشتیبانی کنند. صبح ساعت ۵/۵ عطیات آغاز شده و تیپ مزبور شروع به پیشروی کرد. پس از اینکه چندین کیلومتر جلو رفتند متوجه شدند که پشتیبانی نیروهای خود خیری نیست. در این میان نیروهای عراق تیپ مزبور را زیر آتش توپخانه و موشکهای ضدتانک گرفته که در نتیجه آن ۸۰ تانک منهدم گردید و بیش از ۴۰۰ سرباز در تانکها سوختند. این سرباز میگفت: در حالیکه چند سرباز هم در میان آتش در تانک میسوختند توانستم با اور معجزه آسایی خود را از خطر مرگ نجات دهم. ارتش عراق در تجاوزات جنایتکارانه اش از سلاحهای ویرانگری استفاده میکند از جمله در تاریخ چهارشنبه ۱۳ مهرماه در ساعت ۱۱ شب با موشکهای زمین بزمین شهر زفول را زیر آتش گرفت. موشکهایی به درازای ۹ متر و قطر ۵ سانتیمتر و وزن حدود ۲۰۰ کیلوگرم انفجار آنها باعث کشته شدن حدود ۱۸۰ نفر و زخمی شدن صد ها نفر گردید. جالب آنکه

سپاه پاسداران در زفول از کمک رساندن مردم شهر به آسیب دیدگان جلوگیری میکرد. همچنین ارتش بعثت عراق از یک نوع توپ بنام "خسه خسه" استفاده میکند که مشخصات آن چنین است: هر توپ دارای ۲۵ لوله (۵ ردیف هر یک لوله) میباشد که هر گلوله آن بفاصله ۱۰۰ متر از دیگری به زمین اصابت میکند. یعنی در مجموع محوطه ای با بعد ۵۰۰ متر در ۵۰۰ متر برابر با ۲۵ هکتار را زیر آتش میگیرد. نحوه آتش این توپها یکجا و با بصورت تک تک امکان پذیر است. جالب آنکه ارتش جمهوری اسلامی نیز یک نوع دیگر از این توپها را در اختیار دارد که آنرا "چلچله" می نامند. دارای ۴ لوله در چهار ردیف و هر ردیف ۱۰ لوله میباشد و ساحتی برابر ۴ هکتار یعنی ۴۰۰ متر در ۱۰۰ متر نزدیک زمان زیر آتش میگردد. که هم اکنون در جبهه جنگ چند عراده توپ از آن وجود دارد.

هواپیماهای جنگنده عراق هر روز تعدادی از شهرهای ایران مخصوصاً خوزستان را زیر بمباران خود میگرد. در حالیکه ارتش جمهوری اسلامی دارای یک نوع توپ ضد هوایی خود کار میباشد که بسیار پیشرفته است. (دارای ۴ لوله با برد ۱۰ کیلومتر و دستگاه رادار و موشک بر روی آن نصب شده است) محض عبور هواپیما بطور خودکار ضمن کشیدن آتش خطر، لوله های بطرف آن حرکت میکند.



هم مینان بارز!

این گزارش از یک طرف بخش کوچکی از جنایات ارتش عراق در تجاوز به شهرها و روستاهای ایران (بخصوص خوزستان) را نشان میدهد. و از طرف دیگر تبلیغات دروغین و نحوه برخورد خائنانه سران جمهوری اسلامی در دفاع از مینان اسلامی را (در حالیکه

اینها نیز هر روز مردم بیدار میکنند. خلقهای تحت ستم عراق را مستعد حملات وحشیانه هوایی میکند. میدهند) از یک طرف ارتش مزبور مزدور عراق مردم بیدار را با سلاحهای نابود کننده مخرب مورد حمله قرار میدهند از طرف دیگر گرچه ارتش پاسداران جمهوری اسلامی نیز دارای انواع و اقسام اسلحه های پیشرفته و مدرن میباشد لکن استفاده از این امکانات و کمک به مردمی که تنها با اسلحه های سبک میخواهند در مقابل تجاوزگران عراقی بدفاع پردازند، آنها را تنها گذاشته و فقط تشویقشان میکنند که "آماده شهادت باشند". مردم بیدار و آواره خوزستان

میگویند: چرا ارتش در پیروزی شهرها به نیروهای عراقی حمله نمیکند تا بمک مردم آنها را محاصره کنند و نگذارند آنقدر مدافعان شهرها فشار بیاورند؟ اما... حکومت مدافع سرمایه داران و مرتجعین هر روز در کردستان فاجعه میآفرینند. توپخانه ارتش جمهوری اسلامی در برابر بعثتها فاشیست مسرعت تنها چهار گلوله شلیک میکند، اما در شهر سنندج در مدت ۲۲ روز سرکوب مردم قهرمان آنجا، در هر ساعت ۵۲ گلوله خمپاره و توپ بطرف شهر شلیک میکرد. در حالیکه در تاریخ ۱۳/۷/۵۹ در خوزستان ارتش تجاوزگر عراق در همه جبهه های پیشروی میکرد و نیروهای جمهوری اسلامی در شهر مهاباد در هر دقیقه ۷ گلوله خمپاره و گلوله توپ ۱۰۵ میلیمتری بر منازل مسکونی مردم بیدار آن شهر فرو می ریخت. در بیرانشهر در مقابل بیمارستان و گلوله باران پادگان توسط نیروهای بعثی عراق، فرماندهان پادگان و مردم بیدار آن شهر را بشدت گلوله باران کردند. ارتش جمهوری اسلامی بجای دفاع از مینان اسلامی و اعزازی

تیریه جبهه‌های جنگ با عراق هرروز درکردستان ستونهایسی بهشطور باصطلاح پاکسازی بهروستا هاود رواقع برای سرکوب وخلع سلاح مردم زحمتکش اعزام میسازد. تانکهایشان بجای مقابله با تداوزگران عراقی دهات گسوده نشین را گلوله باران میکنند و فانتومهای نیز هرروز "نقل ونیسات" شان را برسر مردم زحمتکش کردستان میریزند.

ازطرف دیگر سران جمهوری اسلامی در تبلیغاتشان مسرمد وارتشیان را تشویق به "جانفشانی" و "شهادت" میکنند درحالیکه میخواهند از آنها "گوشت دم توپ" بجای بقای رژیم ودفاع از منافع سرمایه داران و مرتجعین بسازند چه دراین جنگ هرروز دهها و صد هاتن از مردم وافراد ارتش بدست نیروهای عراقی اسیر و کشته میشوند.

آری این جنگ و جنگ ناها دانه ایست که منافع آن بهقیمت خون هزاران نفر از مردم بیدفاع وزحمتکشان ایران و عراق هاید سرمایه داران و مرتجعین و درنهایت امپریالیستهای مگرد. و نمرهای کثرت بیکاری و گزانی مایحقیقاج عمومی و سرانجام تهدیدستبسی زحمتکشان وفارت منابع ثروت هر دو کشور توسط ولایت گان به امپریالیسم راد بربرندارد.

مهاباد

۵۹/۸/۱۲ - راد یومهاباد به نقل از بیانیه ستاد مشترک نیروهای سرکوبگرا رتشر و پاسداران مستقر در آن شهر اسلام کسود: "در حالیکه ارتش در حال جنگ با امریکا ودولت بعث عراق می باشد، عدهای خود فروخته یاره راهبرکامیونهای ارتشی می بندند و یابسی آنها نارنجک پرتاب میکنند. نیروهای انتظامی از آن پس مقررات شدیدتری در

پیش گرفته و پاساگان مطعمای که از آنجا بسوی کامیونهای نارنجک پرتاب شود برابر مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد".

در همان نگاه اول میتوان درسا که نیروهای مزدور رژیم میخواهند درباره مردم بی دفاع مهاباد رابه خاک و خون کشیده و ویرانی بسیار آورنده تابخیال خام خود خلق مبارز کرد را از مبارزه عادلانه اش بازدارند. وگرنه چرا مردم بیدفاع یعنی درحقیقت عدهای زن و کودک و مردم عادی یک محله را مخاطب قرار میدهند.

همچنین اعلامیه مذکور گویا ترین مدرک و دلیلی است برای افشای یابوه گوییهای خائنین حزب توده و شرکا رنگارنگان (گروه ۷ نفره...) که طی اطلاعیههای جداگانه باصطلاح خطر ایجاد جنگ و ویرانی مجدد راد ر شهر از طرف گروههای ضد انقلاب عنوان کرده اند.

ارتقید اعلامیه مزبور اعلام کرده است که با آنها (یعنی همان زن و کودک و مردم عادی) برابر مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد در اینجابخوبی روشن است که سردمداران رژیم میخواهند به کسی از هدهدهای اصلی خود از جنگ ارتجایی بار رژیم ضد خلقی و مرتجع عراق که همان پیش بردن سیاست سرکوب شدید تر مردم مایجاد خفقان بیشتر و خفقان هرگونه امتراض حق طلبانه تود هم می باشد، جا به عمل ببوشانند.

۵۹/۸/۴ - پاسداران بهانه اینکه ضد انقلاب از کیوی فرج به سپاه پاسداران حمله می کنند به ساکنین این کیوی اخطار کرده اند که باید خانه های خود را تخلیه کنند. پاسداران با این بهانه میخواهند این خانواده ها را آواره کنند و بجای آنها جاشها را مستقر نمایند. همچنین پاسداران اطراف ساختن تلویزیون را همین

گذاری کرده اند و روزنامه جستجو خانه هسامی بردارند و مشوردم بیدفاع را دستگیر میکنند.

مروان

۵۹/۷/۱۹ - یک ستون پاسدار و جاش از پایگاه جانوره به روستای "پیرخیران" (پیرخیران) در منطقه کوماسی حرکت کردند و در مسیر خود عدهای از اهالی روستاها را دستگیر کردند.

۵۹/۷/۲۱ - پاسداران و جاشه با مقصد "پاکسازی" روستاهای "لاوسان" (لاوسان) و "بلچسور" وارد روستای "لاوسان" شده و کودکان و زنان را برای حفظ جان خود به گرگان گرفتند و بسی هنگامیکه با آتش پیشمرگان کومله روبرو شدند یادادن دو زخمی مجبور به عقب نشینی شدند.

۵۹/۷/۲۳ - پیشمرگان کومله (کل شهید حسین) به مقصد محاصره پاسداران و جاشه با بسوی تپه های اطراف روستای "پیرخیران" حرکت کردند. پاسداران و جاشه با شنیدن این خبر شتابزده منطقه را بسوی پایگاه خود در راجا نور) "جانومه" ترک کردند. پیشمرگان آنها را تعقیب و در نزدیکی روستای "هرو" (وز) به کمین انداختند که درگیری یکساعت بطول انجامید و در نتیجه افراد دشمن ۶ نفر کشته و عدهای زخمی شدند.

زحمتکشان روستاهای منطقه با روحیه ای انقلابی پیشمرگان را یاری میدادند و بخصوص در رساندن غذا به سنگرهایشان کوشا بودند. سید محمد سعید جاش شهسور منطقه کوماسی به پاسداران وعده داد مبرده که اگر نیرو در اختیارش بگذارند منطقه را پاکسازی و صد نفر از اهالی راه مزدوری رژیم راضی خواهد کرد. طی هنگامیکه همراه پاسداران و جاشه با منطقه رفتند زحمتکشان منطقه که بهما هیست

رتجای آنها آشنا بودند در برابر آنان به اشکال گوناگون بمقاومت پرداختند. مردم آنها را به معانه بود راه نمی دادند. وقتی بسوی رفتن خوراکی به خانهها مراجعه می کردند، بارها دیدم شد که زنان دختران ماست و دروغ را با پنهان میابند زمین میخندند وقتی پاسداریان عکس خمینی را به کودکان میدادند، آنها از گرفتن آن خود داری میکردند.

۵۹/۸/۵ - یکدستهای پیشمرگان کومله (پل شهید همه) با عدهای از پاسداران و جاشهداد در قهوهخانه "شوکت بهگ" (شوکت بیگ) در جاده میوان - سنندج درگیر شدند. درگیری ۳ ساعت طول کشید به گفته جاشهداد آنها ۳ کشته و یک زخمی بود ماست. بعد از این عطیات پیشمرگان سالم به پایگاه خود بازگشتند. پاسداران و جاشها به روستای "کازمان" و "کلا" رفتند و اهالی روستا را مورد آذیت و آزار قرار دادند. آنها مردم را تهدید کردند که حق ندارند پیشمرگان را به دشمنان راه دهند. اهالی روستا باین اعتنایی نداشتند که نیروهای دشمن در مقابل ایستادن اعتنایی نداشتند که روستا را ترک کردند.

۵۹/۸/۱۳ - ساعت ۱۰/۵ صبح فانتومهای جمهوری اسلامی پس از بمباران شهر پنجویسن (کردستان عراق) در روستای "سهول تاوا" چند بمب بزمین فرود

ریختند بمباران این بمباران یکی از روستایان بنام شکرالله فتحی کیه مشغول شخم زدن بود به شهادت رسید و یک نفر دیگر نیز زخمی گردید همچنین تعدادی گاو نیز تلف شدند.

سردشت

پاسداران یک جوان را که مشغول جمع آوری میزم بود بشهادت رساندند.

۵۹/۸/۸ - هنگام ظهر حدود ۱۰ نفر جاش پاسدار بیست و هشت وارد روستای "مارغان" در چند کیلومتری شهر شدند. ابتدا تهمای اطراف را اشغال کردند و سپس یک گروه "پاکسازی" همراه عدهای جاش وارد روستا و مشغول بازرسی منازل شدند. ۲ نفر از اهالی مسلح ده هنگام خروج در تپه مقابل آبادی با دشمنان درگیر میشوند این درگیری از ساعت یک تا پنج و نیم بعد از ظهر ادامه می یابد. محض شروع درگیری نیروی دشمن در خارج ده گروه پاکسازی که تا آن موقع بیش از ۲۲ منزل را نتوانسته بودند به اصطلاح پاکسازی کنند، دست از اینکار برداشته کمک همکاران خود رفتند و در این مدت نیز در حالیکه اکثر جوانان و سرپرست خانوادهها روستا را ترک کرده بودند، نیروهای دشمن با اعمال زور و فشار زنان

و کودکان را جمع کرد و از آنان میخواستند بیخ و بن را بشمارند و بعد در درگیری این روز یک پیشمرگ حزب د فکرات بنام "زوار یزدان - پرست" شهید و یک نفر دیگر زخمی شد از جاشها همه میرزا خدر و اناسد آرا ۴ نفر زخمی شدند.

۵۹/۸/۸ - از پایگاه ارتشی واقع در قلعه گرد مسور، ما در پیوستی راکه برای جمع کردن میزم به همان حوالی (دشت کیران) رفته بودند، هرگبار می بندند که در اثر آن پسر میز فاع (لقمان کریم شوان) به شهادت میرسد.

دشمن با بیشرمی تمام شهادت او را به پیشمرگان نسبت داده و در تشییع جنازه اش در تپه رزم علیه نیروهای جنبش مقاومت شعار می دادند. مردم با آگاهی از این قتل جنایتکارانه خشم و نفرت خود را از پاسداران امپراز داشته و آنها را همراهی نکردند. روز بعد سپاه پاسداران این شهر با انتشار اعلامیه ای مجددا شهادت این فرد را به نیروهای انقلابی نسبت داده و از مردم درخواست کرد که در مجلس ترحیمی که به مناسبت در مسجد یادگان ترتیب داده بودند شرکت نمایند. ۵۹/۸/۹ - یکی از دو خودرو ارتشی که در مسیر جاده سردشت - پایگاه ملامشخ، روی بزی مدرسه روستای "شیوه برایه" (شمیرایم) حرکت میکردند بر اثر انفجار مین پیشمرگان، واژگون شد و ۲ نفر از سرنشینان آن کشته و ۸ نفر زخمی شدند.

در جنگ ایران و عراق: اینکه کدام طرف جنگ را شروع کرده است ما را در شناخت ماهیت جنگ کمک نمیکند. مسئله اینست که جنگ نتیجه چه سیاستی بوده است و کدام طبقات اجتماعی در جهت تثبیت حاکمیت خود جنگ را برآوردند. وقتی جنگ در خدمت سرمایه داران، مروجین و امپریالیستها باشد غیر عادلانه بوده و غیر قابل پشتیبانیست.

پیرانشهر

به علت فشار نیروهای
جمهوری اسلامی و تعطیل
کارخانه قند، محصول
چغندر روستائیان
در خطر نابودی است.

۵۹/۸/۸ - با فرارسیدن فصل
پاییزی سرما، وضع زندگی
آوارگان شهر که در دهات منطقه
پراکنده شده اند، رو به وخامت
گسترده شده است. مایحتاج
زندگی مردم مانند برنج و روغن
قند و گازوئیل و... در منطقه بسیار
کماب است. چنانچه مقداری نیز
یافت شود با قیمت چند برابر فروش
میرسد که خود از قدرت خرید
زحمتکشان خارج است. محصول
چغندر قند که یکی از محصولات
مهم کشاورزی در منطقه است و
باعث شدن کارخانه قند دولتی
همچنان روی دست دهقانان
زحمتکش منطقه باقی مانده است.
آنها به علت کمبود گازوئیل و گران
بودن حمل و نقل نمی توانند
خود را به راه کارخانه ها
دیگر برسانند و ناچار خسارات
زیانهای زیادی را باید تحمل
کنند. این جریان فشار اقتصادی
بر بدوش زحمتکشان را بیشتر کرده
و باعث فقر و تهیدستی روزافزون
آنان میگردد. این فشارها علاوه
بر فشارهای نظامی از قبیل لشکرکشی
به روستاها از طرف نیروهای جمهوری
اسلامی (ارتش پاسداران و جانشینان
و همچنین گلوله باران روزانه
دهات اطراف یادگانها) از جمله
یادگان پیرانشهر) و در نتیجه
آوارگی و خانه خرابی و گشتار مردم
بیدفاع و قسمتی از برنامه های
جمهوری اسلامی برای سرکوب
زحمتکشان خلق کرد از جمله

منطقه پیرانشهر میباشد.
۵۹/۸/۸ - گلوله پسااران
دهات اطراف از سوی یادگان
هنگام عصر آغاز شد و تا مدتی ادامه
داشت.

مقرارتش و پاسداران زیر آتش پیشمرگان کومه له قرار گرفت.

۵۹/۸/۱۲ - پس از دو شب
متوالی که پیشمرگان کومه له وارد
شهر شده و به شناسایی محل های
استقرار ارتشیان پاسداران پرداختند
اختتامه سرانجام در شب ۸/۱۲
یکی از مقرهای دشمن واقع در
مدرسه هیب پناه در ساعت ۱۱/۵
زیر آتش سلاح های سبک و نارنجک
انداز پیشمرگان قرار گرفت.
ارتشیان پاسداران پس از آن
ساعتها بی هدف به اطراف خود
تیراندازی میکردند. در این
درگیری تلفاتی بر دشمن وارد آمد
پیشمرگان همگی سالم به پایگاهها
خود بازگشتند.

نقده سلدوز

۵۹/۸/۵ - پاسداران و کمیته
جی های نقده به ۴۳ تانک و چهاره انداز
همراه تعداد زیادی خود رواتش
و توپخانه شخصی بطرف روستاهای
گرد نشین حرکت کردند و در ساعت
۴ صبح روستای "چقل مستفان"
(چقل مصطفی) را محاصره کرده و
شروع به تیراندازی نمودند و مردم
آنجا مجبور به ترک روستا شدند.
همچنین روستایان "خلیفه لیان"
(خلیفه لیان) و "مهلان" (مهلان)
روستاهای خود را ترک کرده اند.

پاسداران وحشیانه اهالی این
روستاها را مورد آزار قرار
دادند و وزیر چندین قبضه سلاحه از
آنها گرفتند.

۵۹/۸/۶ - در درگیری شدید
که بین پیشمرگان از یک طرف
پاسداران از طرف دیگر در روستای
"محمودیه" (محمودیه) روی داده
تلفات سنگینی به طرفهای دشمن
وارد آمد.

در این درگیری ۳ نفر از پیشمرگان
حزبنا مهی اکاک حسین، کاک رحمان
و ما محمد شهید شدند. پاسداران
گرامی باد. از تعداد تلفات دشمن
اطلاع دقیقی بدست نیامده است.

پاسداران ارتجاع یک زن حامله و ده گودک او را سالهاش را بشهادت رساندند

۵۹/۸/۸ - پاسداران پاسا
پور و وحشیانه ای به روستای (محمد
شهی) بالا که کرد نشین است مردم
آنجا را آواره کردند. در این پور
وحشیانه یک زن حامله و مرد و دو
گودک او را سالهاش را بشهادت رساندند
پاسداران با وحشیگری خود چند
مین رأس گاو را به رگبارهای حیوانات
بار بار با تبر قطعی کردند.

اخیرا جاشهای مستقر در نقده
طی اطلاعاتی آمادگی خود را
برای ثبت نام افرادی که بخواهند
بصورت مزدور رژیم در شهرهای
اشنویه و سردشت و مهاباد در آیند
ا اعلام کرده است.
هیئت حاکمه ضد خلقی
جمهوری اسلامی که قدرت سر
کوب خلق مبارز و مستعدیده کرد
زاندارد و همواره در صدد بسود
است به راهی مرتجعین محلی و
مد های راجهت مزدوری (جاش)
استخدام کند تا با فریب آنها

وهمراه با نیروهای سرکوبگر خود
سیاستهای ضد خلقی را به پیش
ببرد .

اینگونه افراد فریب خورد میباید
بدانند که با گام نهادن در چنین
راهی در مقابل توده های زحمتکش
بدفاع از منافع سرمایه داران و مر-
تجعین میباید از آنکه سرانجامی
جز خیانت به طبقات زحمتکش
و خلقهای ستمدیده رادریسی
نخواهد داشت. آنها با چنین
اعمالی هرچه بیشتر منفور شده
و عاقبت به مجازات خلق دچار
خواهند شد .

بانده

مقر پاسداران و جاشها زیر حملات بیشمرگان کومله قرار گرفت .

۵۹/۸/۱۳ - شبانگاه و دست
از بیشمرگان کومله (لق شهید
عبدالله، پل شهید محی الدین)
وارد شهر شده و طی یک سری
عملیات ضرباتی به پاسداران و جاشها
وارد آوردند .

ابتدا در چند نقطه شهر به
کمین پاسداران و جاشها نشستند
رئیس محل استقرار جاشها را با
سلاحهای آرمه بی و جی و نارنجک
انداز و اسلحه سبک مورد حملات
قرار دادند . پاسداران و جاشها
با آرمه بی و جی و تیربار می هدف
به اطراف تیراندازی میکردند .
بیشمرگان بعد از این ضربه در
خیابان به کمین نیروهای دشمن
می نشینند و بعد از مدتی عدای
از پاسداران به خیال اینکه
بیشمرگان از شهر خارج شده اند
پیاده به خیابان میروند و به کمین
بیشمرگان می افتند و درگیری آغاز
میشود و که در نتیجه عدای از آنها
کشته و زخمی شدند .

بعد از این عملیات تیرباران

با دادن شعار و خواندن سرود هاک
انقلابی از کوچه های شهر عبور کرد
و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفتند
مردم نیز با جای و سیگار از آنها پذیرای
کردند . بیشمرگان ضمن گفتگو
آنان را تشویق به مقاومت و مبارزه
هرچه بیشتر در برابر نیروهای
سرکوبگر نمودند و به آرامی شهر را
ترک کردند . در هنگام خروج
از شهر دستهای از جاشها و
پاسداران که به اصطلاح به کمین
نشسته بودند با پرتاب نورا تگن
و روشن کردن محوطه شروع به
تیراندازی بسوی پیشمرگان
نمودند که با تیراندازی متقابل
روبرو شدند . پیشمرگان زیر رگبار
شدید و وحشیانه پاسداران و جاشها
شها محل را ترک کرده و سالم به
پایگاههای خود بازگشتند . از
میزان تلفات دشمن اطلاع دقیقی
بدست نیامده است .

این روزها عدای جاش که فریب
تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی
را خورد بودند ضمن اظهار
پشیمانی خود راه پیشمرگان
جنش مقاومت تعلیم کردند . به
گفته آنان ناراضی شدیدی بین
جاشها وجود دارد . بخشی از این
افراد فریب خورد گانی هستند
که برای تأمین زندگی خود و
خانواده شان نا آگاهانه به چنین
کاری تن در میدهند . اکنون که
چندین ماه از تشکیل دستجات
جاش میگذرد آنان در یافته اند که
نه تنها از نظر مردم شده اند بلکه از
بعد همیدهای آنها با نشان نیز
خبری نیست . در این مدت فاشی
تا چیزی آنان از طریق جرمه های
سنگینی که از کسبه مردم شهر گرفته
شد هیزد اختگر دیدهاست .

رابطه این مزدوران رژیم
با مردم شهر به کلی قطع و این مسئله
موجب ناراحتی و عذاب فراوان زن
و بچه های بیگناه آنها شده است .
موارد فراوانی وجود دارد که زن
و بچه ها شوهران و پدران خود را
به منزل راه نمیدهند . این

سسته از یک طرف میزان آگاهسی
و پشتیبانی وسیع مردم از جنبش
مقاومت را از طرف دیگر سرنوشسته
خائنین و فریب خوردگان را نشان
میدهد .

گاه بیاران

دو تن از فریب خوردگان رژیم به میان مردم بازگشتند

چندی پیش دو نفر از افرادی که
فریب سیاستهای ریاکارانه و صوابی
فریبانه رژیم جمهوری اسلامی
را خورده و در منطقه کامیاران
در پایگاه " هملتوشان " (هکتوشان)
با نیروهای سرکوبگر رژیم همکاری می
کردند و مدتی از نزدیک برخورد
وحشیانه و جناح آزاره بین نیروها
را با مردم زحمتکش روستاهای اطراف
می بینند و پس از آنکه پیوند مستحکم
زحمتکشان منطقه را با نیروهای
سیاسی مشاهده میکنند متوجه
اشتباهات خود میشوند . آنها
کدام به حقانیت جنبش مقاومت
خلق کرد پی می برند و بعد از
آن به منظور جبران قسمتی از اشتباهات

هائشان و منظور رهانیدن خویش
از عواقب ناگوار و ننگ در انتظار
بود و هم چنین برای کمک به جنبش
مقاومت با اسلحه هایشان و مقدمات
زیادی مهیا از پایگاه فرار کرده و
خود را به پیشمرگان کومله تسلیم
نمودند . پیشمرگان نیز آنها را
را پذیرفته و در جهت درک بیشتر
اشتباهات گذشته و طی یک برنامه
آموزش سیاسی و بخصوص در جلسه
و در ارتباط با مردم به آنها کمک
نمودند تا به اشتباه خود پی ببرند
آنجا که این دو نفر علاقمند شد
که در میان پیشمرگان باقی بمانند
و آنها را بیشتر در جهت اصلاح
راغبتهایی کنند .



سندج

یک ستون ارتشی به گمین پیشمرگان کومه له افتاد .

۵۹/۸/۸ - ۵ ساعت ۵-
بعد از ظهر پایگاه "گزنه" بوسیله
یک دستار از پیشمرگان کومه له (پهل
شهید جلال و لق شهید حمید)
با اختیار انداز ۶ میلیمتری مورد
حمله قرار گرفت . در این حمله یک
جیب ارتشی منهدم گردید و دستار
لفافی به پایگاه وارد آمد که باز
بمیزان آن اطلاعی در دست نیست
پیشمرگان سالم به پایگاههای خود
بازگشتند .

۵۹/۸/۱۲ - یک ستون
ارتشی پاسداران ۳ میون
(زیل) و ۶ تیلی و یک آمبولانس که
از کرمانشاه طرف سندج در حرکت
بود ، ساعت ۵ بعد از ظهر در
۸ کیلومتری شهر سندج به کمین
یک دستار از پیشمرگان کومه له (پهل
شهید جلال و لق شهید حمید)
افتاد . پیشمرگان با سلاحهای سبک
تک تیر به ستون حمله کردند . در این
درگیری که مدت ۲۰ دقیقه طول
کشید یک خودرو به کلی منهدم
شد و ۴ خودرو دیگر از کار افتاد
در این درگیری مدعیان از ارتشیان
پاسداران کشته و زخمی شدند که
از تعداد دقیق آنها هنوز اطلاعی
به دست نیامده است . پس از این
عملیات پیشمرگان سالم به پایگاه
خود بازگشتند .

در تمام مدت درگیری، محصل
برخورد از طرف پایگاه ارتشی و
"گزنه" (گزنه) با توپ و خمپاره
کمیاد شد .



وظیفه اساسی ما دفاع از منافع زحمتکشان است .

نشریه "راه کار" شماره ۴۵ تاریخ
۵۹/۷/۲۱ صفحه ۳ مطلبی به
شرح زیر نوشت:
"نیروهای سیاسی خلق کسب
از حدود دو هفته پیش بطوریکه جانیه
اعلام تقریباً کرده و خواهان قطع
حملات نظامی ارتش پاسداران
شده و اعلام کرده بودند که پیشمرگان
سلاح خلق و دفاع از کردستان را
بمعهدده میگیرند"

نظر باینکه نشریه مذکور بطور
مشخص "نیروهای سیاسی خلق
کرد" را معلوم نکرد ما است . ما
بعنوان یک نیروی سیاسی فعال
و مستقل در جنبش مقاومت خلق
کرد اعلام میداریم که هیچگونه آتش
بسی از جانب ما اعلام نگردیده
است . اعلام چنین مسائلهای از طرف
نشریه نامبرده در شرایطی که رژیم
جمهوری اسلامی هر روز بیسوز
تازهای بر خلق مبارز کرد میبرد تنها
میتواند ناشی از تصورات ذهنی
نویسندگان آن بوده و هیچگونه
ارتباطی با مواضع درباره "جنگ
ارتجایی رژیمهای ایران و عراق
که روشنی اعلام گردیده و ندارد .
همچنانکه تاکنون نیز عمل کرده
در برابر هر بیسوز سرکوبگرانه رژیم
دفاع از حقوق خلق کرد (ونه) دفاع
از کردستان" اجزای وظایف خود
دانستند . هر دو مقیاسی و سیرتس
دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان
ایران و نه "دفاع زمین باسلامی
سرما به داران و مرتجعین" راه هدف
اساسی خود میدانیم .

درباره حمله به

دفتر سازمان چریکها (اکثریت)

اخیراً "کومه له" بوکان اطلاعاتی
در این باره انتشار داده است که

مابخشهایی از آن را در زیر
می آوریم:

" . . . در تاریخ ۵۹/۸/۸ عذرا
در حدود ۴۰۰ نفر پس از یک
راهپیمایی علیه سازمان چریکها
(اکثریت) در سطح شهر در جلوی
دفتر آنها اجتماع نمود و خواستار
تعطیل دفتر و قطع سلاح آنها
گردیدند . پس از مدتی جری بحث
در جلوی در و مدعیان از اجتماع
کنندگان بداخل ساختمان حمله
برده و کلهی وسایل آنجا را بیرون
آورده و با خود بردند . آنها
پتوها ، وسایل و ماشینهای آنجا را
ضبط کرده و شیشهها و برخی از
اثاث را شکستند . همچنین چند
نفر از دانش آموزان هوادار سازمان
چریکها (اکثریت) را بشدت
مضروب کردند که به بیمارستان
انتقال داده شدند . حمله
کنندگان حتی کاپشن برخی
از افراد آنجا را از تنشان در آورده و
با خود میبردند .

آنچه بخصوص جلب نظر میکند
شرکت فعال پیشمرگان و انفراد
حزب دمکرات در این جریان بود ،
برای مردم بوکان کاملاً روشن است
که حوادث دیروز به تحریک و
شرکت مستقیم آنها با استفاده از
نارضا بیتی خلق کرد از سیاستها
انحرافی سازمان چریکها (اکثریت)
صورت گرفته و قسمت عمده ماشینها و
وسایل را بد دفتر حزب دمکرات در
نزدیکی دفتر سازمان چریکها
(اکثریت) انتقال دادند . حتی
یکی از پیشمرگان حزب دمکرات
پیشاپیش مدعیان از افراد فوق به
قصد بازرسی وارد خانهی یکی از
مسئولین سازمان چریکها میشود .
همشهریان مبارز !

ما معتقدیم آنچه که دیروز روی
داد بکلی بایک اعتراض سیاسی و
انقلابی سالم به سیاستهای
انحرافی سازمان چریکها (اکثریت)

مقاوت است آنچه این ادعای
 ما را ثابت میکند بقیه‌ی برخورد های
 حزب دمکرات بخصوص به زحمتکشان
 است. افراد حزب دمکرات هر روز
 به بهانه‌های اهالی زحمتکش شهر
 ما را با دکتک و ناسزا میگیرند و
 دستفروشها را اذیت کرده و ساط
 نا چیز آنها را بالگد پرت میکنند
 با مردم می که برای خرید ما محتاج
 در صف بسر میبرند با توهین و فحاشی
 برخورد میکنند، در شرایطی که مردم
 زحمتکش ما بخاطر بحران اقتصادی
 کشور و محاصره اقتصادی کردن
 در وضع نا را حتی بسر میبرند هر روز
 به بهانه‌ای به باجگیری از مردم

میبرد آزند
 " . . . همه‌ی این برخورد ها
 نشان میدهد که اعمال دیروز حزب
 دمکرات از موضع انقلابی نبوده
 بلکه نشانه‌ی دیگری است از این
 حقیقت که حزب دمکرات بخاطر
 ضعف سیاسی، بجز زور گویسی
 و اعمال فشار زبان دیگری بسرای
 گفتگو ندارد
 " . . . همین حزب دمکرات
 بود که چند ماه پیش آنها در هنگام
 میکه سیاستهای خیانت آمیز
 سازمان چریکها (اکثریت) نسبت
 به جنبش مقاومت کاملاً روشن شده
 بود و با این سازمان اعلامیه مشترک

امضا میکرد
 " . . . سازمان چریکها (اکثریت)
 مدتهاست که با درپیش گرفتن سیاست
 ست سازش با ارتجاع حاکم به جنبش
 طبقه کارگرایان و جنبش مقاومت
 خلق کرده پشت کرده و آن خیانت
 نمود ما ست
 " . . . با همه اینها ما معتقدیم
 که مبارزه با سیاستهای سازمان
 چریکها (اکثریت) با بستن از روی
 یک موضع اصولی و انقلابی و بصورت
 افشای سازشها و انحرافات آنها
 برای زحمتکشان و توده‌های مردم
 بود رجعت بالا بردن آگاهی سیاسی
 آنها باشد



رژیم جمهوری اسلامی با تعطیل کارخانجات قند در این
 فصل زیانهای جبران ناپذیری به کارگران و دهقانان
 چغندر کار کرده‌ستان وارد می‌آورد.